

و برای زور و محرمه تم، که دادیم له و پیری محو سی و کیدی و له و زاندا
سه که و تورو

کامه گیدان: نه و دور که زاده بی بی بخت ما در بوم، له پتیا که ما بیام
شیخ با خوشه و ده و پشان روی به کدو سده است، رب نش میزند
جاری ریکم خوشه و ده. بلخ بو ۱۲ و سیم به خوشه و ده می و در دار، پتیری
شترسان لبه گرم. که راست ده وی و لیم زور و نگری بی، بای
توز ما تکم پتیر و زه وی لای ده زنگرن

به لام له که لای ده شدا، که گر بکم زه وی و که سی شتریت تیرا بی -
نکم، و اینم و که نه. که لیم ده بی روز زور که ت به خوشه و ده
ماند در یک می ما فوسن. به له ده وی و تیر شتریک بندوسی، چکر و ای
دیوان شتریک مجوسنم و ده.

له شتریا چه دست وک کو که بی سیم و پتوسن:

- ۱- طه بای شاعرانه ۲ - زمانه شتریک ۳ - و نیم و شمار ۴ - به یک دیه نام ...
- ده بی بیه منشی، پز کردی چه ند فسی ما فیه دار که ما ده بی نه در بهانه نه بی،
- نه بی له یاره ی فسی پرور و شو عاروان ده شینه و ده و کهج که سندی
- لایندی شتر ما بروتن. جان و ایرو، شتر (شتر) کون ما ده ی بی ۱۲
- به کدری، زور بی تیرگان له باری و پستی ز ما نیم ده یا که تان
- تدای، بان نامه دارن. نه ده که له ده یک کهج نه رحی شتر بربیان
- تیرا بی فاکری. که داد ما سیم را بشم وک ده شتر که شتری.

بابت: س. س. ج. ک. ک.